

تأثیر گردش اجباری موسسه حسابرسی و گردش شریک موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

رضا اصغریور^۱، عبدالصمد خلعتبری لیماکی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابرسی، دانشگاه آزاد اسلامی، رامسر، ایران
^۲ استادیار گروه حسابداری و حسابرسی، دانشگاه آزاد اسلامی، رامسر، ایران

چکیده

دو مکتب فکری درباره گردش اجباری موسسه حسابرسی وجود دارد. مکتب فکری نخست بر این باور است که موسسات حسابرسی دارای دوره تصدی به نسبت بلندمدت، دانش بیشتری از صنعت و کسب و کار شرکت دارند و متعاقباً کیفیت بالاتر و کارایی بیشتر حسابرسی را ارائه می دهند. مکتب فکری دیگر مدعی است که در موسسات حسابرسی دارای دوره تصدی به نسبت طولانی، احتمال ایجاد آشنایی و صمیمیت بین اعضای تیم حسابرسی و کارکنان صاحبکار وجود دارد که احتمال تخریب برنامه حسابرسی را می افزاید و احتمال این که حسابرس، تصمیمی بر خلاف تصمیمات سال های گذشته بگیرد را می کاهد که متعاقباً حسابرسی با کیفیت پایین تر و کارایی کمتر ارائه می کند. در مجموع، گردش موسسه حسابرسی، از طرفی موجب افزایش استقلال حسابرس، به جهت کاهش آشنایی و انس بین حسابرس و صاحبکار و از طرفی موجب کاهش شناخت حسابرس از صاحبکار و فعالیت آن می گردد. با این اوصاف، گردش شریک موسسه حسابرسی، ضمن حفظ این شناخت، می تواند موجب کاهش آشنایی و انس بین حسابرس و صاحبکار گردد. در این راستا، در مطالعه حاضر تلاش شد تا با استفاده از داده های ۱۱۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵، مدل داده های ترکیبی و رگرسیون چندمتغیره، به بررسی تأثیر گردش اجباری موسسه حسابرسی و گردش شریک موسسه حسابرسی و بر کیفیت حسابرسی پرداخته شود. نتایج بررسی ها نشان داد که گردش شریک موسسه حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی می گردد و تفاوت معنادار بین ارتباط گردش موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی و ارتباط گردش شریک موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی وجود دارد.

واژه های کلیدی: گردش اجباری موسسه حسابرسی، گردش شریک موسسه حسابرسی، کیفیت حسابرسی.

۱. مقدمه

تئوری نمایندگی بیان می‌دارد که تفکیک مدیریت (نماینده) از مالکیت (سهامدار)، منجر به مشکل خطر اخلاقی^۱ می‌گردد چراکه ممکن است نماینده (مدیریت)، به هزینه سهامدار (مالک)، منافع شخصی خود را دنبال کند (جنسن و مکلینگ^۲، ۱۹۷۶). مشکل خطر اخلاقی با توجه به موضوع عدم تقارن اطلاعاتی بین دو گروه ماهیت می‌یابد. گروه نخست، مدیران هستند، کسانی که شرکت را اداره می‌کنند. این گروه، اطلاعات بیشتری درباره شرکت و چشم‌اندازهای آتی آن نسبت به سهامداران (گروه دوم) دارند. یک راه برای کاهش عواقب و هزینه‌های مربوط به خطرات اخلاقی، استخدام یک شخص ثالث - یک موسسه حسابرسی مستقل - برای حسابرسی دفاتر، ثبت‌ها و صورت‌های مالی شرکت است که می‌تواند منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران شرکت شود.

کیفیت حسابرسی، تابعی از آموزش، تمرین و دانش استانداردهای حرفه‌ای به‌همراه استقلال و بی‌طرفی، آگاهی حسابرسان از صنعت و عملیات تجاری صاحبکار و همچنین ارتباط تیم فعال حسابرسی با مدیریت شرکت صاحبکار می‌باشد. دو مکتب فکری درباره دوره تصدی بلندمدت موسسه حسابرسی وجود دارد. مکتب فکری نخست بر این باور است که موسسات حسابرسی دارای دوره تصدی به‌نسبت بلندمدت، دانش بیشتری از صنعت و کسب‌وکار شرکت دارند و متعاقباً کیفیت بالاتر و کارایی بیشتر حسابرسی را ارائه می‌دهند (گیگرو راغوناندان^۳، ۲۰۰۲؛ جانسون^۴ و همکاران، ۲۰۰۲؛ مایرز^۵ و همکاران، ۲۰۰۳؛ کارکلو و ناگی^۶، ۲۰۰۴). مکتب فکری دیگر مدعی است که در موسسات حسابرسی دارای دوره تصدی به‌نسبت طولانی، احتمال ایجاد آشنایی و صمیمیت (یا حتی دوستی) بین اعضای تیم حسابرسی و کارکنان صاحبکار وجود دارد که احتمال تخریب برنامه حسابرسی را می‌افزاید و احتمال این که حسابرسی، تصمیمی بر خلاف تصمیمات سال‌های گذشته بگیرد را می‌کاهد که متعاقباً حسابرسی با کیفیت پایین‌تر و کارایی کمتر ارائه می‌کند (دفوند و ساپرامانیام^۷، ۱۹۹۸؛ آرل^۸ و همکاران، ۲۰۰۵؛ گیتس^۹ و همکاران، ۲۰۰۷؛ دائو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۸؛ دانیلز و بروکر^{۱۱}، ۲۰۰۹). این مکتب فکری اخیر، مورد توجه بسیاری از کشورها بوده است.

این در حالی است که بحث‌های متعددی وجود دارد که آیا شرکت‌ها باید حسابرسان را برای مدت طولانی استخدام کنند یا گردش اجباری موسسه حسابرسی برقرار شود. از سویی، اعتقاد بر این است که حسابرسان در سال‌های اولیه حسابرسی، شناخت کافی از صاحبکار و صنعت آن نخواهند داشت (کارکلو و ناگی، ۲۰۰۴) و حسابرسان، شیب منحنی یادگیری را طی

۲-Moral hazard problem

۳-Jensen and Meckling

۴-Geiger and Raghunandan

۵-Johnson

۶-Myers

۷-Carcello and Nagy

۸-Defond and Subramanyam

۹-Arel

۱۰-Gates

۱۱-Dao

۱۲-Daniels and Booker

می کنند تا درکی بهتر از صاحبکار و صنعت آن داشته باشند (لیم و تان^{۱۲}، ۲۰۱۰). از سوی دیگر، دوره تصدی طولانی مدت موسسه حسابرسی، می تواند منجر به کاهش تردید حرفه ای و بی طرفی موسسه حسابرسی و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی گردد (کارکلو و ناگی، ۲۰۰۴). مطابق دیدگاه جانسون^{۱۳} و همکاران (۲۰۱۲)، روابط طولانی مدت بین حسابرس و صاحبکار موجب ایجاد یک رابطه دوستی بین آن ها می گردد، بنابراین ممکن است قابلیت اتکای صورت های مالی کاهش یابد. با این اوصاف، گردش شریک موسسه حسابرسی، ضمن حفظ این شناخت، می تواند موجب کاهش آشنایی و انس بین حسابرس و صاحبکار گردد. در مطالعه حاضر به بررسی تأثیر گردش اجباری موسسه حسابرسی و گردش شریک موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداخته می شود.

۲. مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حسابرسی صورت های مالی و سایر اطلاعات مالی، از مهمترین ابزارهای حصول اطمینان از قابل اتکا و مربوط بودن اطلاعات شرکت ها به شمار می رود. حسابرسان مستقل، از طریق اعتباردهی به صورت های مالی و سایر اطلاعات مورد رسیدگی، آلودگی ها را از اطلاعات می زدایند. بر همین اساس، حسابرسی صورت های مالی توسط حسابرسان مستقل به عنوان یکی از الزامات اصلی بورس های گوناگون دنیا قلمداد می شود. در دوره های اخیر، به دلیل بروز مشکلات و رسوایی های متعدد، نهادهای نظارتی حرفه حسابداری و بازار سرمایه به منظور تقویت استقلال حسابرسان، تغییر دوره های آن ها را به عنوان یک راه حل پیشنهادی الزامی نموده اند. اما به این موضوع، انتقادهای زیادی وارد شده است. منتقدان بر این باورند که تغییر حسابرس باعث کاهش استقلال حسابرس از صاحبکار و در نتیجه بی اعتباری صورت های مالی می شود. از سوی دیگر، مقامات قانون گذار نگران این هستند که افزایش فراوانی تغییر حسابرس، اعتماد استفاده کنندگان به کلیه صورت های مالی و نه فقط صورت های مالی شرکت تغییردهنده را کاهش دهد (مهدوی و ابراهیمی، ۱۳۸۹). از یک سو، گردش موسسات حسابرسی موجب قطع ارتباط بلندمدت حسابرس با صاحبکار، نداشتن توجه به فرآیند تکراری حسابرسی سال های قبل و از بین رفتن میل ناآگاهانه حسابرس برای خشنود کردن صاحبکار می شود. از بعد دیگر، فرآیند گردش موسسات و شریک حسابرسی موجب قطع ارتباط حسابرس و صاحبکار می شود که در نتیجه، مدیریت صاحبکار با حسابرس جدید احساس راحتی نمی کند و در صورت وجود مشکلات، آن ها را با وی در میان نمی گذارد. توجه به فرآیند حسابرسی سال های قبل به دلیل درک بهتر از تغییرات، جابه جایی و طبقه بندی اطلاعات که در اثر شناخت حسابرس در سال های قبل حاصل شده است، موجب بهبود کارایی حسابرس می شود. اشتیاق برای راضی نگه داشتن صاحبکار، دیگر عاملی است که نتیجه ماهیت گردش موسسات است. فرآیند گردش موجب از بین رفتن میل آگاهانه یا ناآگاهانه حسابرس برای راضی نگه داشتن مشتری می شود و از این طریق، موجبات حفظ استقلال حسابرسان را فراهم می آورد، اما ممکن است کیفیت خدمات حسابرسی تحت تأثیر این گونه تمایلات حسابرس برای انتخاب به عنوان حسابرس مستقل در دوره مجاز بعدی یا شرکت های تحت نفوذ صاحبکار قرار گیرد که گردش نمی تواند مانع از انجام چنین کاری شود (جعفری و رضوانی فرد، ۱۳۸۹).

بنابر توضیحات ارائه شده می توان نتیجه گرفت که پدیده گردش حسابرسان مانند تیغ دو لبه ای است که هم می تواند موجب حفظ استقلال و افزایش کیفیت خدمات حسابرسی شود و هم می تواند فلسفه وجودی حسابرسی را متزلزل کند. لازم به ذکر است که بخش ۲۰۳ قانون ساربینز-اکسلی^{۱۴} (۲۰۰۲) تصریح می کند دوره تصدی شریک موسسه حسابرسی باید از هفت سال

۱۲-Lim and Tan

۱۳-Johnson

۱۴-Sarbanes-Oxley Act of ۲۰۰۲ (SOX)

به پنج سال تغییر یابد و دوره فاصله انتصاب مجدد به همان وظیفه نیز از دوسال به پنج سال افزایش یابد. قانون گذاران، این مقررات را بر پایه دو موضوع بنا نهادند. نخست، کاهش همکاری شریک موسسه حسابرسی با صاحبکار به پنج سال باعث افزایش استقلال واقعی و ظاهری حسابرسی می‌گردد. دوم، نگاه تازه و خالص^{۱۵} شریک جدید و مستقل به صاحبکار، موجب افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردد (مجلس نمایندگان ایالات متحده^{۱۶}، ۲۰۰۲). لذا قصد نهایی از گردش اجباری، افزایش کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده به سرمایه‌گذاران است (مجلس نمایندگان ایالات متحده، ۲۰۰۲). به این ترتیب، می‌توان گفت که گردش اجباری موسسه حسابرسی و گردش شریک موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی موثر است اما مثبت یا منفی بودن این تأثیر، دچار ابهام است.

این در حالی است که موسسات حسابرسی استدلال می‌کنند لغو همکاری مستمر شریک موسسه حسابرسی، باعث کاهش کیفیت حسابرسی می‌گردد زیرا شریک تازه وارد، به اندازه شریکی که همکاری مستمر داشته، اطلاعات، دانش و تجربه کافی از صاحبکار ندارد. علاوه بر این، اعضای حرفه حسابرسی ادعا می‌کنند که این کاهش کیفیت حسابرسی طی سال‌های ابتدایی همکاری شریک موسسه حسابرسی با صاحبکار بیشتر خواهد بود، زمانی که عدم شناخت از صاحبکار و عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است. سرانجام، آنان استدلال می‌کنند که این کاهش کیفیت حسابرسی موجب کاهش کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی می‌شود و متعاقباً به منابع سرمایه‌گذاران آسیب می‌رساند (انجمن حسابداران رسمی آمریکا^{۱۷}، ۱۹۹۲؛ پرایس واترهاوس کوپرز^{۱۸}، ۲۰۰۲). به بیان فیرث^{۱۹} و همکاران (۲۰۱۲)، گردش موسسه حسابرسی، از طرفی موجب افزایش استقلال حسابرسی، به جهت کاهش آشنایی و انس بین حسابرسی و صاحبکار و از طرفی موجب کاهش شناخت حسابرسی از صاحبکار و فعالیت آن می‌گردد. با این اوصاف، گردش شریک موسسه حسابرسی، ضمن حفظ این شناخت، می‌تواند موجب کاهش آشنایی و انس بین حسابرسی و صاحبکار گردد. لذا با این استدلال می‌توان ادعا نمود که گردش شریک موسسه حسابرسی، تأثیری مثبت بر کیفیت حسابرسی دارد و حتی این تأثیر، به مراتب گسترده‌تر از تأثیر گردش موسسه حسابرسی است. این در حالی است که افزایش کیفیت حسابرسی منجر به افزایش کیفیت گزارشگری شرکت‌ها خواهد شد. به این ترتیب، گردش شریک موسسه حسابرسی می‌تواند منجر به افزایش کیفیت حسابرسی شود.

در این راستا، ناگی^{۲۰} (۲۰۰۵) به مطالعه تأثیر گردش موسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداخت. تحقیق وی براساس محدودیت‌های محیطی که در اثر قصور آرتور اندرسون، تعدادی از شرکت‌ها را مجبور به تغییر حسابرسی کرده بود، انجام شد. شرکت‌های استفاده شده در نمونه آماری که در سایه وجود قانون گردش موسسات حسابرسی، فعالیت می‌کردند به دو دسته شرکت بزرگ و شرکت‌های کوچک تقسیم‌بندی شدند. نتایج تحقیق نشان داد که درصد افزایش در بهبود کیفیت حسابرسی شرکت‌های کوچک، بیشتر از شرکت‌های بزرگ بوده است. به عبارت دیگر، کیفیت حسابرسی زمانی بهبود می‌یابد که واحدهای حسابرسی شونده کوچکتر هستند. جکسون^{۲۱} و همکاران (۲۰۰۸) نیز نتیجه گرفتند که تغییر موسسه حسابرسی در کل امر مفیدی است و هزینه‌های مربوط به تغییر موسسه حسابرسی در مجموع کمتر از مزایای آن می‌باشند. گفتنی است

۱۶-Fresh look

۱۷-U.S. House of Representatives

۱۸-American Institute of Certified Public Accountants (AICPA)

۱۹-PricewaterhouseCoopers

۲۰-Firth

۲۱-Nagy

۲۲-Jackson

آنان برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی از کیفیت اقلام تعهدی و نوع اظهار نظر حسابرسی استفاده نمودند. در مطالعه های دیگر، مصطفی^{۲۲} (۲۰۱۰) نتیجه گرفت که حسابرسان مصری، به خوبی مفهوم کیفیت حسابرسی را می دانند و با مزایای ارتباط بلندمدت با صاحبکار در راستای افزایش کیفیت حسابرسی موافقت می نمایند. در مجموع نتایج بررسی های وی نشان داد که گردش اجباری موسسه حسابرسی، راهکاری مفید برای افزایش استقلال موسسات حسابرسی در مصر است.

براکس^{۲۳} و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی تأثیر گردش موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شرکت های آمریکایی پرداختند. آنان فرض نمودند که در سال های ابتدای شروع همکاری، به دلیل افزایش شناخت، به تدریج کیفیت حسابرسی افزایش یابد، اما به تدریج با افزایش سال های همکاری، به علت ایجاد آشنایی، از کیفیت حسابرسی کاسته شود. آنان دوره گردش موسسه حسابرسی در شرکت های آمریکایی را از دوازده تا شانزده سال ارزیابی نمودند. ضمناً نتیجه گرفتند که گردش اجباری ضرورتی ندارد. کامرون^{۲۴} و همکاران (۲۰۱۴) نیز نتیجه گرفتند که افزایش دوره تصدی حسابرسی، موجب افزایش کیفیت حسابرسی می شود. نتایج بررسی های ریکت^{۲۵} و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد که با افزایش دوره تصدی حسابرسی، از میزان محافظه کاری حسابداری صاحبکار کاسته می شود. این در حالی است که نقش اهمیت نسبی صاحبکار در رابطه دوره تصدی حسابرسی و محافظه کاری حسابداری، بی اهمیت ارزیابی شد.

در ایران، بنی مهد و همکاران (۱۳۹۲) گزارش نمودند که تغییر حسابرسان رابطه ای مستقیم با تغییر اظهار نظر حسابرسی دارد. علاوه بر این، اندازه شرکت نیز رابطه ای مستقیم با تغییر اظهار نظر حسابرسی دارد. زیان ده بودن شرکت، سن شرکت و مدت تصدی حسابرسی رابطه ای منفی و معکوس با تغییر اظهار نظر حسابرسی دارد. تغییر حسابرسان بیشترین رابطه را با تغییر اظهار نظر حسابرسی دارد. رابطه مستقیم میان تغییر حسابرسان و تغییر اظهار نظر حسابرسی، پدیده گزینش اظهار نظر در بازار حسابرسی ایران را تأیید می نماید. نتایج پژوهش ملکیان و عبدی پور (۱۳۹۳) حاکی از وجود رابطه مستقیم و معنادار بین تغییر موسسه حسابرسی و گزارشگری سودهای محافظه کارانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در مجموع یافته های پژوهش بیانگر این است که تغییر موسسه حسابرسی موجب افزایش سطح محافظه کاری در سودهای گزارش شده شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می شود. نیکومرام و موکل (۱۳۹۳) نیز گزارش نمودند که هر چه درصد سهام بیشتری در اختیار بزرگترین مالک شرکت باشد، شرکت تمایل بیشتری دارد که حسابرسان خود را به منظور انتخاب حسابرسان کوچکتر تغییر دهد و زمانیکه شرکت در سال مالی قبل از تغییر حسابرسان اظهار نظر غیرمقبول دریافت کرده باشد تمایلی ندارد که حسابرسان خود را به منظور انتخاب حسابرسان کوچکتر تغییر دهد. در مطالعه ای دیگر، وکیلی فرد و محمدی (۱۳۹۴) گزارش نمودند بین تغییر حسابرسان مستقل با گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد. در بحث نوع تغییر حسابرسان نیز نتایج آزمون فرضیه ها بیانگر این مطلب است که بین نوع تغییر حسابرسان مستقل با گزارش حسابرسی در شرکت های مورد بررسی رابطه معناداری وجود ندارد. جعفری و همکاران (۱۳۹۳)، نیز به بررسی تأثیر گردش حسابرسان بر کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای بررسی کیفیت حسابرسی متغیرهای تحریف مالیاتی، تحریف در برآوردهای حسابداری، تحریف قوانین، تحریف ناشی از اشتباه در بکارگیری رویه های حسابداری و سایر تحریف ها به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. دو گروه نمونه شامل ۵۶ شرکت به عنوان گروه آزمون و تعداد ۵۶ شرکت دیگر به عنوان گروه کنترل برای یک دوره ۴ ساله، طی سال های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۰ مورد مطالعه قرار گرفتند. داده های مورد نیاز پژوهش شامل نسبت موفقیت کشف تحریف قبل و بعد از تغییر حسابرسان می باشد. برای آزمون فرضیه های پژوهش از

۲۳-Mostafa

۲۴-Brooks

۲۵-Cameran

۲۶-Rickett

روش مقایسه میانگین زوجی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد تغییر حسابرس با کشف تحریف های مالیاتی و تحریف ناشی از اشتباه در بکارگیری رویه های حسابداری رابطه معناداری دارد و باعث افزایش نسبت موفقیت کشف این تحریف ها می شود. اما چنین رابطه ای بین تغییر حسابرس و تحریف در برآوردهای حسابداری، تحریف قوانین و سایر تحریف ها دیده نشده است. حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۹)، به بررسی تاثیر گردش موسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ پرداختند. آنها شاخص تعدیلات سنواتی مندرج در سرفصل تعدیلات سنواتی در بخش گردش سود و زیان انباشته صورت های مالی سال پس از گردش و بندهای شرط مرتبط با اصلاح اشتباهات سنواتی مندرج در گزارش حسابرسان جدید و قبلی را به عنوان معیار تعیین کیفیت حسابرسی در نظر گرفتند. روش آزمون فرض این پژوهش دو جمله ای بوده، نتایج پژوهش آنها نشان داد که گردش موسسات حسابرسی تاثیری بر کیفیت حسابرسی ندارد.

۳. فرضیه های پژوهش

باتوجه به توضیحات ارائه شده در بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه های مطالعه حاضر به شرح زیر مطرح می - شوند:

- ۱- ارتباط معنادار بین گردش موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی وجود دارد.
- ۲- ارتباط معنادار بین گردش شریک موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی وجود دارد.
- ۳- تفاوت معنادار بین ارتباط گردش موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی و ارتباط گردش شریک موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی وجود دارد.

۴. روش شناسی پژوهش

از آنجا که نتایج حاصل از این پژوهش می تواند در تصمیمات مدیران، سرمایه گذاران، تحلیل گران و فعالان بازار سرمایه، سازمان بورس و اوراق بهادار و حسابرسان مورد استفاده قرار گیرد، از جنبه هدف پژوهش، از نوع پژوهش های کاربردی به شمار می رود. همچنین از جنبه نحوه استنباط در خصوص فرضیه های پژوهش، در گروه پژوهش های توصیفی - همبستگی قرار می - گیرد، زیرا جهت کشف روابط بین متغیرهای پژوهش، از تکنیک های رگرسیون و همبستگی استفاده خواهد شد که به این ترتیب، از نظر استدلالی، استدلال استقرایی است. همچنین، از آنجا که از طریق آزمایش داده های موجود، نتیجه گیری خواهیم کرد، این پژوهش در گروه تئوری های اثباتی قرار خواهد گرفت.

۵. مدل ها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه اول مطالعه حاضر از مدل زیر استفاده می شود:

$$AWCA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AFChange_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 SALESSGR_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 LOSS_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

برای آزمون فرضیه دوم مطالعه حاضر از مدل زیر استفاده می شود:

$$AWCA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AFPChange_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 SALESSGR_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 LOSS_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

برای آزمون فرضیه سوم به مقایسه ضریب β_1 در مدل های اول و دوم پرداخته می شود.
که در آن ها:

متغیر وابسته:

$AWCA_{i,t}$ = کیفیت حسابرسی شرکت i در سال t که برای محاسبه آن، از قدرمطلق اقلام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش استفاده می گردد:

$$AWCA_{i,t} = | WCA_{i,t} - [(WCA_{i,t-1} / S_{i,t-1}) * S_{i,t}] |$$

که در آن:

$AWCA_{i,t}$ = اقلام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش شرکت i در سال t ؛

$WCA_{i,t}$ = اقلام تعهدی سرمایه در گردش شرکت i در سال t که برابر است با دارایی های جاری منهای بدهی های جاری تقسیم بر کل دارایی ها.

$WCA_{i,t}$ = اقلام تعهدی سرمایه در گردش شرکت i در سال $t-1$.

$S_{i,t}$ = درآمد فروش شرکت i در سال t .

$S_{i,t-1}$ = درآمد فروش شرکت i در سال $t-1$.

متغیرهای مستقل:

$AFChange_{i,t}$ = گردش اجباری موسسه حسابرسی شرکت i در سال t که اگر موسسه حسابرسی کننده شرکت پس از چهار سال همکاری با شرکت، تغییر کرده باشد، این متغیر برابر یک قرار می گیرد و در غیر این صورت، برابر صفر است.

$AFPChange_{i,t}$ = گردش شریک موسسه حسابرسی شرکت i در سال t که اگر موسسه حسابرسی کننده شرکت همان موسسه حسابرسی کننده سال قبل باشد و یکی از شرکای مسئول کار نسبت به سال قبل، تغییر کرده باشند، برابر با یک می باشد و در غیر این صورت، برابر صفر است.

متغیرهای کنترل:

$SIZE_{i,t}$ = اندازه شرکت i در سال t که برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی ها.

$CFO_{i,t}$ = جریان نقد عملیاتی شرکت i در سال t که برابر است با نسبت جریان نقد عملیاتی به کل دارایی ها.

$LEV_{i,t}$ = اهرم مالی شرکت i در سال t که برابر است با نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها.

$SALESSGR_{i,t}$ = رشد درآمد فروش شرکت i در سال t که برابر است با درآمد فروش شرکت در سال t منهای درآمد فروش شرکت در سال $t-1$ تقسیم بر درآمد فروش شرکت در سال $t-1$.

$ROA_{i,t}$ = بازده دارایی های شرکت i در سال t که برابر است با نسبت سودخالص به کل دارایی ها.

$LOSS_{i,t}$ = زیان ده بودن شرکت i در سال t که اگر شرکت، زیان خالص داشته باشد، این متغیر برابر یک قرار داده می شود و در غیر این صورت، برابر صفر قرار داده می شود.

۶. جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ می باشد. نمونه مورد استفاده نیز از طریق روش حذف سیستماتیک از جامعه آماری انتخاب خواهد شد، به این ترتیب که نمونه، متشکل از کلیه شرکت های موجود در جامعه آماری است که حائز معیارهای زیر باشند:

۱- در طول دوره پژوهش، تغییر در دوره مالی نداشته باشند.

۲- جزء شرکت های فعال در حوزه فعالیت های مالی، از جمله شرکت های سرمایه گذاری، بانک ها، بیمه ها و موسسات مالی نباشند.

۳- داده‌های مورد نیاز جهت متغیرهای پژوهش، در طول دوره زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵، موجود باشند.
 ۳- دوره مالی آن‌ها منتهی به ۱۲/۲۹ هر سال باشد تا بتوان داده‌ها را در کنار یکدیگر و در صورت نیاز، به صورت پانلی به کار برد.
 فرآیند مذکور، منجر به انتخاب ۱۱۶ شرکت گردید.

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱ آمار توصیفی

در این قسمت، میانگین، میانه (معیارهای مرکزی)، انحراف معیار، بیشینه و کمینه (معیارهای پراکندگی) متغیرهای مورد استفاده محاسبه و در جدول ۱ آورده شده است.

میانگین، اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخص مرکزی به شمار می‌آید که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و میانه نیز نقطه‌ای است که یک نمونه را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌نماید. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مقدار میانگین متغیر کیفیت حسابرسی، ۰/۱۱۹ و مقدار میانه آن ۰/۰۸۲ است. به‌طور کلی، معیارهای پراکندگی، معیارهایی هستند که پراکندگی مشاهدات را حول میانگین بررسی و مقایسه می‌نمایند. یکی از مهم‌ترین معیارهای پراکندگی، انحراف معیار می‌باشد. با توجه به جدول ۱، این معیار برای متغیر کیفیت حسابرسی، ۰/۱۲ است. گفتمنی است بیشترین مقدار متغیر کیفیت حسابرسی برابر با ۰/۷۵۸ و کمترین مقدار آن برابر با ۰/۰۰۴ است. ویژگی‌های سایر متغیرها نیز در جدول ۱ مشهود است.

جدول ۱- آمار توصیفی

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
قدرمطلق اقلام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش (کیفیت حسابرسی)	۰/۱۱۹	۰/۰۸۲	۰/۷۵۸	۰/۰۰۴	۰/۱۲	۱/۹۸۵	۷/۸۲۱
گردش اجباری موسسه حسابرسی	۰/۰۸۶	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۸	۲/۹۴۸	۹/۶۹۴
گردش شریک موسسه حسابرسی	۰/۵۱۵	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵	-۰/۰۶۲	۱/۰۰۳
اندازه شرکت	۱۳/۹۲	۱۳/۸۳۳	۱۹/۱۳۳	۱۰/۴۹۱	۱/۴۳۳	۰/۷۵۷	۴/۶۳۰
جریان نقدعملیاتی	۰/۱۱۱	۰/۰۹۶	۰/۵۵۸	-۰/۴۶	۰/۱۲۲	۰/۳۸۵	۴/۶۶۰
اهرم مالی	۰/۵۸۴	۰/۵۹۱	۰/۹۸۶	۰/۱۴۷	۰/۱۸	-۰/۱۵۷	۲/۳۰۶
رشد درآمد فروش	۰/۱۹۹	۰/۱۴۳	۲/۷۴۲	-۰/۷۶۷	۰/۴۳۵	۱/۹۲۳	۱۰/۴۷۰
بازده دارایی‌ها	۰/۰۹۹	۰/۰۸۳	۰/۶۳۱	-۰/۴۹۳	۰/۱۲۶	۰/۴۲۴	۵/۷۰۲
زبان‌ده بودن	۰/۱۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۱۳	۲/۴۸۴	۷/۱۷۱

۷-۲ آمار استنباطی

۱-۲-۷ آزمون فرضیه اول

نتیجه آزمون فرضیه اول پژوهش با استفاده از مدل اثرات ثابت در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- آزمون فرضیه اول

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۸۶۵	۰/۰۷۹	۱۰/۸۸۴	۰/۰۰۰
گردش اجباری موسسه حسابرسی	-۰/۰۳۸	۰/۰۲۳	-۱/۶۰۶	۰/۱۰۹
اندازه شرکت	-۰/۰۴۱	۰/۰۰۵	-۷/۴۲۹	۰/۰۰۰
جریان نقدعملیاتی	۰/۰۳	۰/۰۱۳	۲/۲۵۲	۰/۰۲۴
اهرم مالی	-۰/۳۱۵	۰/۰۲۴	-۱۳/۰۶۲	۰/۰۰۰
رشد درآمد فروش	۰/۰۴۴	۰/۰۰۴	۹/۴۳۷	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	۰/۰۲۶	۰/۰۰۹	۲/۶۶۶	۰/۰۰۸
زیان‌ده بودن	-۰/۰۷۴	۰/۰۰۸	-۹/۰۹۷	۰/۰۰۰
آماره آزمون چاو		۲/۳۹۸	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰
آماره آزمون هاسمن		۴۸/۸۹۳	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۰
آماره F		۲۷/۶۱۵	ضریب تعیین	۰/۷۹۵
سطح معناداری آماره F		۰/۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۶۲
روش EGLS (رفع اثرات احتمالی ناهمسانی واریانس)			مقدار دوربین - واتسون	۱/۹۷۵

با توجه به نتایج جدول ۲، از آنجا که آماره t متغیر گردش اجباری موسسه حسابرسی منفی بوده و سطح معناداری آن بزرگتر از ۰/۰۵ است، ارتباطی معنادار بین گردش اجباری موسسه حسابرسی و قدرمطلق ارقام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برقرار نیست. با توجه به این که قدرمطلق ارقام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش، معیاری معکوس برای کیفیت حسابرسی است، می‌توان استدلال نمود که رابطه معنادار بین گردش اجباری موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی برقرار نیست و فرضیه اول مطالعه حاضر، مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

گفتنی است آماره دوربین - واتسون مدل ۱/۹۷۵ است که بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. ضمناً سطح معناداری آماره F نیز ۰/۰۰۰ است که پایین‌تر از ۰/۰۵ بوده و نشان از معناداری مدل دارد. دیگر نکته قابل توجه در جدول شماره دو، ضریب تعیین تعدیل شده مدل است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل مورد استفاده حدود ۷۶ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد حدود ۷۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل قابل توضیح است. لازم به ذکر است که استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی و همچنین تصحیح وایت دیاگونال، منجر به رفع اثرات ناهمسانی واریانس احتمالی گردیده است.

۲-۲-۷ آزمون فرضیه دوم

نتیجه آزمون فرضیه دوم پژوهش با استفاده از مدل اثرات ثابت در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۸۴۳	۰/۰۸	۱۰/۵۳	۰/۰۰۰
گردش شریک موسسه حسابرسی	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	-۵/۰۱۳	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۴	۰/۰۰۵	-۷/۱۹۶	۰/۰۰۰
جریان نقدعملیاتی	۰/۰۳۳	۰/۰۱۴	۲/۲۷۵	۰/۰۲۳
اهرم مالی	-۰/۳۱	۰/۰۲۳	-۱۲/۹۶۵	۰/۰۰۰
رشد درآمد فروش	۰/۰۴۳	۰/۰۰۴	۹/۱۸	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	۰/۰۲۹	۰/۰۰۹	۳/۰۲	۰/۰۰۲
زیان‌ده بودن	-۰/۰۷۴	۰/۰۰۸	-۸/۶۹۲	۰/۰۰۰
آماره آزمون چاو		۲/۲۶۴	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰
آماره آزمون هاسمن		۴۷/۷۸۵	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۰
آماره F		۲۸/۸۲۶	ضریب تعیین	۰/۷۷۶
سطح معناداری آماره F		۰/۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۵۱
روش EGLS (رفع اثرات احتمالی ناهمسانی واریانس)			مقدار دوربین - واتسون	۱/۹۸۹

با توجه به نتایج جدول ۳، از آنجا که آماره t متغیر گردش شریک موسسه حسابرسی منفی بوده و سطح معناداری آن کوچکتر از ۰/۰۵ است، ارتباطی معنادار و معکوس بین گردش شریک موسسه حسابرسی و قدرمطلق ارقام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برقرار است. باتوجه به این که قدرمطلق ارقام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش، معیاری معکوس برای کیفیت حسابرسی است، می‌توان استدلال نمود که رابطه مستقیم و معنادار بین گردش شریک موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی برقرار است و فرضیه دوم مطالعه حاضر، مورد تأیید قرار می‌گیرد. گفتنی است آماره دوربین - واتسون مدل ۱/۹۸۹ است که بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. ضمناً سطح معناداری آماره F نیز ۰/۰۰۰ است که پایین‌تر از ۰/۰۵ بوده و نشان از معناداری مدل دارد. دیگر نکته قابل توجه در جدول شماره سه، ضریب تعیین تعدیل شده مدل است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل مورد استفاده حدود ۷۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد حدود ۷۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل قابل توضیح است. لازم به ذکر است که استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی و همچنین تصحیح وایت دیاگونال، منجر به رفع اثرات ناهمسانی واریانس احتمالی گردیده است.

۳-۲-۷ آزمون فرضیه سوم

باتوجه به نتایج به دست آمده در فرضیه‌های اول و دوم پژوهش مبنی بر این که ارتباطی معنادار بین گردش اجباری موسسه حسابرسی و قدرمطلق ارقام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برقرار نیست و ارتباطی معنادار و معکوس بین گردش شریک موسسه حسابرسی و قدرمطلق ارقام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برقرار است، می‌توان استدلال کرد که تفاوت معنادار بین ارتباط گردش موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی و ارتباط گردش شریک موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی وجود دارد و لذا فرضیه سوم تأیید می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری و بحث

نتایج بررسی‌های به‌عمل‌آمده نشان داد که گردش شریک موسسه حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردد و تفاوت معنادار بین ارتباط گردش موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی و ارتباط گردش شریک موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی وجود دارد. در این رابطه لازم به توضیح است که گردش موسسه حسابرسی، از طرفی موجب افزایش استقلال حسابرس، به جهت کاهش آشنایی و انس بین حسابرس و صاحبکار و از طرفی موج کاهش شناخت حسابرس از صاحبکار و فعالیت آن می‌گردد. با این اوصاف، گردش شریک موسسه حسابرسی، ضمن حفظ این شناخت، می‌تواند موجب کاهش آشنایی و انس بین حسابرس و صاحبکار گردد. لذا با این استدلال می‌توان ادعا نمود که گردش شریک موسسه حسابرسی، تأثیری مثبت بر کیفیت حسابرسی دارد و حتی این تأثیر، به‌مراتب گسترده‌تر از تأثیر گردش موسسه حسابرسی است. نتایج به‌دست آمده را می‌توان منطبق با نتایج فیث و همکاران (۲۰۱۲)، کامرون و همکاران (۲۰۱۴) و وکیلی‌فرد و محمدی (۱۳۹۴) و در تضاد با نتایج براکس و همکاران (۲۰۱۳)، ریکت و همکاران (۲۰۱۶)، بنی‌مهد و همکاران (۱۳۹۲) و ملکیان و عبدی‌پور (۱۳۹۳) دانست.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبنی بر این که گردش اجباری موسسه حسابرسی نمی‌تواند منجر به افزایش کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران گردد، به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود تا با بررسی دقیق‌تر عواقب دستورالعمل مصوب، سایر راهکارهای بهبود کیفیت و استقلال حسابرس را مدنظر قرار دهند. علاوه بر این، به سرمایه‌گذاران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود که گردش اجباری موسسه حسابرسی‌کننده شرکت را به‌عنوان عاملی برای افزایش کیفیت حسابرسی، افزایش کیفیت صورت‌های مالی و متعاقباً بهبود قابلیت اتکای اطلاعات مالی شرکت، مدنظر نداشته باشند.

با توجه به دیگر نتیجه پژوهش حاضر مبنی بر این که گردش شریک موسسه حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردد، به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود تا در بررسی احتمالی رویکردهای جایگزین گردش موسسه حسابرسی برای افزایش استقلال حسابرس، گردش شریک مسئول کار حسابرسی را به‌عنوان عامل افزایش کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس در نظر داشته باشند که بنابراین، می‌تواند جایگزین مناسبی برای گردش موسسه حسابرسی باشد. علاوه بر این، به سرمایه‌گذاران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود که گردش شریک مسئول کار حسابرسی را به‌عنوان عاملی برای افزایش کیفیت حسابرسی، افزایش کیفیت صورت‌های مالی و متعاقباً تقویت قابلیت اتکای اطلاعات مالی شرکت، مورد توجه قرار دهند. در این مطالعه برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی به‌عنوان متغیر وابسته، از قدرمطلق اقلام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش استفاده شد که پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از سایر معیارها مانند معیار اقلام تعهدی اختیاری نیز استفاده شود و نتایج قیاس گردد.

۹. منابع

۱. بنی مهد، ب و مراده زاده فرد، م و زینالی، م. (۱۳۹۲)، "رابطه بین تغییر حسابرس مستقل و تغییر اظهار نظر حسابرسی"، فصلنامه دانش حسابرسی، ۴ (۱۴)، ۹۱-۱۰۸.
۲. جعفری، و.ا. و رضوانی فرد، س. (۱۳۸۹)، "گردش موسسات و شرکای حسابرسی (تاریخچه، قوانین و تجربه بورس ها)", روزنامه دنیای اقتصاد. شماره ۲۲۵۶، تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۰۴.
۳. ملکیان، ا و عبدی پور، ف. (۱۳۹۳)، "رابطه بین تغییر موسسه حسابرسی و گزارشگری سودهای محافظه کارانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۱ (۴۱)، ۱۵۷-۱۷۳.
۴. مهدوی، غ و ابراهیمی، ش. (۱۳۸۹)، "تغییر حسابرس: چراغ قرمز یا سبز"، مجله حسابرس، ۴۹، ۱۱۵-۱۲۳.
۵. نیکومرام، ه و موکل، ا. (۱۳۹۳)، "عوامل اثرگذار بر تغییر حسابرس از دیدگاه راهبری شرکتی"، فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۶ (۲۴)، ۱-۲۰.
۶. وکیلی فرد، ح و محمدی، س. (۱۳۹۴)، "تغییر حسابرس و نوع گزارش حسابرسی"، فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۷ (۲۵)، ۳۳-۴۸.
۷. American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). (۱۹۹۲). Statement of position regarding mandatory rotation of audit firms of publicly held companies. New York: AICPA.
۸. Arel, B., Brody, R.G. and Pany, K. (۲۰۰۵). Audit Firm Rotation and Audit Quality. The CPA Journal, ۷۵ (۱), ۳۶-۳۹.
۹. Brooks, L. Z. and Cheng, C.S. (۲۰۱۳). Agnes and Reichelt, Kenneth John, Audit Firm Tenure and Audit Quality: Evidence from U.S. Firms. CAAA Annual Conference ۲۰۱۳. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۲۲۰۱۳۵۰>.
۱۰. Cameran, M., Annalisa, P. and Trombetta, M. (۲۰۱۴). Mandatory Audit Firm Rotation and Audit Quality. European Accounting Review Forthcoming. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۲۴۲۰۳۷۰>.
۱۱. Carcello, J. V. and Nagy, A. L. (۲۰۰۴). Audit Firm Tenure and Fraudulent Financial Reporting. Auditing: A Journal of Practice & Theory, ۲۳ (۲), ۵۵-۷۰.
۱۲. Daniels, B. W. and Booker, Q. (۲۰۰۹). Loan Officers' Reactions to Audit Rotation. Journal of Behavioral Studies in Business, ۱, ۱-۱۳.
۱۳. Dao, M., Mishra, S. and Raghunandan, K. (۲۰۰۸). Auditor tenure and shareholder ratification of the auditor. Accounting Horizons, ۲۲ (۳), ۲۹۷-۳۱۴.
۱۴. Defond, M. L. and Subramanyam, K.R. (۱۹۹۸). Auditor changes and discretionary accruals. Journal of Accounting & Economics, ۲۵ (۱), ۳۵-۶۸.
۱۵. Firth, M., Rui, O.M. and Wu, X. (۲۰۱۲). How Do Various Forms of Auditor Rotation Affect Audit Quality? Evidence from China. The International Journal of Accounting, ۴۷, ۱۰۹-۱۳۸.
۱۶. Gates, S. K., Lowe, D.J. and Reckers, P. M. J. (۲۰۰۷). Restoring public confidence in capital markets through auditor rotation. Managerial Auditing Journal, ۲۲ (۱), ۵-۱۷.
۱۷. Geiger, M. A. and Raghunandan, K. (۲۰۰۲). Auditor tenure and audit reporting failures. Auditing, ۲۱ (۱), ۶۷-۷۸.
۱۸. Jackson, A.B., Moldrich, M. and Roebuck, P. (۲۰۰۸). Mandatory Audit Firm Rotation and Audit Quality. Managerial Auditing Journal, ۲۳ (۵), ۴۳۷-۴۲۰.

۱۹. Jensen, M. C. and Meckling, W.H. (۱۹۷۶). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, ۳ (۴), ۳۰۵-۳۶۰.
۲۰. Johnson, V. E., Khurana, I. K. and Reynolds, J. K. (۲۰۰۲). Audit-firm tenure and the quality of financial reports. *Contemporary Accounting Research*, ۱۹ (۴), ۶۳۷-۶۶۰.
۲۱. Johnson, V.E., Khurana, I.K. and Reynolds, J.K. (۲۰۱۲). Audit firm tenure and the quality of financial reports. *Contemporary Accounting Research*, ۱۹, ۶۳۷-۶۶۰.
۲۲. Lim, C.-Y. and Tan, H.-T. (۲۰۱۰). Does auditor tenure improve audit quality? Moderating effects of industry specialization and fee dependence. *Contemporary Accounting Research*, ۲۷ (۳), ۹۲۳-۹۵۷.
۲۳. Mostafa, D. (۲۰۱۰). The Impact of the Auditor Rotation on the Audit Quality: A Field Study from Egypt. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۱۶۷۶۲۲۴>.
۲۴. Myers, J. N., Myers, L. A. and Omer, T. C. (۲۰۰۳). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? *The Accounting Review*, ۷۸ (۳), ۷۷۹-۷۹۹.
۲۵. Nagy A. (۲۰۰۵). Mandatory Audit Firm turnover, financial reporting quality and client bargaining power: the case of Arthur Andersen. *Accounting Horizons*, ۱۹ (۲), ۵۱-۶۸.
۲۶. PricewaterhouseCoopers. (۲۰۰۲). Mandatory rotation of audit firms: Will it improve audit quality? New York: PricewaterhouseCoopers LLP.
۲۷. Rickett, L.K., Maggina, A. and Alam, P. (۲۰۱۶). Auditor Tenure and Accounting Conservatism: Evidence from Greece. *Managerial Auditing Journal*, ۳۱ (۶/۷), <http://dx.doi.org/۱۰.۱۱۰۸/MAJ-۱۰-۲۰۱۴-۱۱۰۳>.
۲۸. U.S. House of Representatives. (۲۰۰۲). The Sarbanes-Oxley Act of ۲۰۰۲. Public Law ۱۰۷-۲۰۴ [H.R.۳۷۶۳]. Washington, D.C. Government Printing Office

